

تحلیل شاخصه های «جاهلیت» در گفتار جعفر بن ابی طالب(ع) و انطباق آنها با جاهلیت مدرن

ربابه کریمی^۱
سید حسین شفیعی دارابی^۲

چکیده

بر اساس اسناد موجود، بخشی از سخنان جعفر بن ابی طالب(ع) در دیدار با نجاشی به باورها و رفتارهای نادرست اعراب دوران "جاهلیت اولی" اشاره دارد؛ جامعه‌ای که در آن، به‌جای حق و استدلال، باطل و سفاهت بر همه امور سایه افکنده بود. با توجه به تکرار ویژگی‌ها و عملکردهای امت‌ها در طول تاریخ، بی‌تردید شناخت شاخصه‌های دوران جاهلیت پیشین و شناسایی نموده‌های آنها در "جاهلیت مدرن" در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی دولت جهانی مهدوی نقشی اساسی ایفا خواهد کرد. این مقاله، که به روش توصیفی-تحلیلی تدوین یافته است، در پی پاسخ به این پرسش است که: شاخصه‌های "جاهلیت اولی" مطرح‌شده در گفتار جعفر بن ابی طالب(ع) چیست و چگونه با جاهلیت مدرن قابل انطباق است؟ نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس گفتار این صحابی بزرگ نبوی، جاهلیت اولی در نقطه مقابل توحید قرار داشته و ملازم با انکار ولایت و حاکمیت خداوند بوده است. شاخصه‌های مهم این جاهلیت شامل بت‌پرستی، مردارخواری، گسستن پیوندهای خویشاوندی، ولنگاری، بدرفتاری با همسایگان، و ظلم به ضعیفان می‌باشند؛ تمامی این موارد، با جلوه‌های تازه و در پرتو شعارهای فریبنده‌ای

^۱ مدرس و طلبه سطح چهار جامعه الزهراء(س) karimi02.gom@gmail.com (نویسنده مسئول).

^۲ هیئت علمی و استادیار جامعه المصطفی(ص)، مدیر گروه تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهراء(س) syedhosein_shafieidarabi@miu.ac.ir

همچون اصالت انسان، اصالت عقل، اصالت ماده، اصالت علم و تجربه، آزادی جنسی و... در جاهلیت مدرن نیز خودنمایی می‌کنند.

واژگان کلیدی:

شاخصه ها، جاهلیت اولی، جاهلیت مدرن، جعفر بن ابیطالب (ع)، حبشه، نجاشی.

مقدمه

هجرت مسلمانان به حبشه که با هدایت نبی اکرم (ص) و با سرپرستی جعفر بن ابی طالب (ع) ملقب به «طیار» (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۹۴)؛ و «صاحب الهجرتین» (هجرت به حبشه و مدینه) (ابن سعد، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۶؛ ج ۸، ص ۲۸۱؛ بخاری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۸۵؛ ابو نعیم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۱۱) صورت پذیرفت (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۶؛ قمی، ۳۶۳۱، ج ۱، ص ۱۷۶) یکی از رخ دادهای مهم در تاریخ اسلام محسوب می‌شود؛ این پدیده مهم فرهنگی که به قصد در امان ماندن مسلمانان از برخوردهای خشن مشرکان مکه و پایداری آنان در امر دین داری به وقوع پیوسته است (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۳)، حوادث تلخ و شیرین متنوعی را به همراه داشته است؛ که ملاقات جعفر بن ابی طالب (ع) با پادشاه وقت «حبشه» (نجاشی) و طرح سخنان حکیمانه توسط این صحابه بصیر نبوی، که بیست سال از عمر شریف خود را قبل از بعثت گذرانده و درک عمیقی از اوضاع پیش از اسلام دارد (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۸۸)؛ یکی از شیرین ترین ثمره این رخداد سیاسی فرهنگی محسوب می‌شود. وی که شباهت جسمی و اخلاقی به پیامبر (ص) (ابن سعد، بی تا؛ ج ۴، ص ۳۶) داشت و در کنار حمزه و علی (ع) برترین چهره نزد رسول خدا (ص) (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶) بود، در طول انجام این دیدار، موفق به انجام چند اقدام فرهنگی ماندگار و پربازده گردیده است؛ از جمله: به چالش کشاندن «عمرو عاص» (نماینده اعزامی کفار قریش به حبشه) (ابونعیم، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۱)، قرائت سوره مریم و تبیین نگاه اسلام و قرآن در مورد حضرت مسیح (ع) و مریم (س) (قمی، ۳۶۳۱، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ابونعیم، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۱)، بازگوئی عصاره ای از ارمغان های بلند و جاوید بعث نبوی (ابونعیم، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۰ و قمی، ۳۶۳۱، ج ۱، ص ۱۷۷) و...؛

به نظر می‌رسد: بازگوئی شاخصه های اصلی «جاهلیت اولی» توسط این خطیب شجاع

(ابونعیم، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۴) و آگاه به مسائل دینی (ذهبی، ۱۴۲۷، ق، ج ۲، ص ۸۸) در ملاقات با نجاشی؛ یکی از تلاشهای فرهنگی پرثمر در تاریخ اسلام به شمار می آید؛ بی تردید، بازخوانی این اقدام شایسته؛ و کسب شناخت لازم در این راستا، در کسب آگاهی نسبت به روابط جاهلی دنیای کنونی نیز مفید است؛ زیرا جاهلیت نوین مجموعه فشرده ای از جاهلیت قدیم به اضافه انحرافات تازه محسوب می شود. براین اساس، آیت‌الله خامنه‌ای از تمدن غربی به عنوان «جاهلیت مدرن» یاد می‌کند که همان ارزش‌های شیطانی را در درون خویش، بازتولید کرده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۲۶، <https://khl.ink/f/۲۹۷۳۶>)، با این تفاوت که در تمدن غربی، ضد ارزش‌های مادی و طاغوتی، هم در گستره بسیار وسیعی از حیات فردی و اجتماعی حاکم شده‌اند؛ و هم تشدید و متراکم گردیده‌اند؛ و هم از ناحیه مروجان آنها، توجیهات معرفتی و نظری فریبنده ای برای آنها ارائه شده است.

بدین جهت مقاله حاضر با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی در جهت شناخت و بررسی مصادیق مشترک جاهلیت پیش از اسلام با جاهلیت مدرن نگاشته شده تا به این سوال پاسخ دهد: شاخصه های «جاهلیت اولی» مطرح شده در گفتار جعفر بن ابی طالب (ع) چیست؟ و چگونه با جاهلیت مدرن قابل انطباق می باشد؟ تا از رهگذر تحلیل این شاخصه ها و تطبیق آن با شکل‌های نوین جاهلیت به راهکار مناسب مبارزه با آن دست یابد. با توجه به اینکه تا کنون، هیچ پژوهشی با چنین نگاهی تدوین نیافته است، قطعاً انجام این تحقیق، اقدامی ضروری، برخوردار از اهمیت، و واجد نتایجی کارآمد خواهد بود.

پیشینه تحقیق

با آنکه درباره جاهلیت و تطبیق آن با جاهلیت مدرن آثار متعددی مانند کتاب «جاهلیت مدرن در رویارویی با امام زمان (عج)؛ شفیعی سروستانی، اسماعیل، ۱۳۸۹) و مقالاتی نظیر «بررسی وجوه تمایز جاهلیت اولی و مدرن در قرآن احادیث و روایات و نقش انقلاب اسلامی ایران در رفع جاهلیت مدرن»، قاضوی، سید حسن و همکاران، ۱۳۹۸)؛ «جاهلیت مدرن از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و شناسایی و تحلیل نقش ناجا در مبارزه آن»، آجرلویی، محمود و نظری منظم، مهدی، ۱۳۹۶) «جاهلیت مدرن از نگاه آیات و روایات»، میرزایی، عبدالاحمد، ۱۳۹۵) و «بررسی تطبیقی شاخصه های اخلاقی جاهلیت اولی با جاهلیت مدرن»، نجفی، معصومه و دیگران، ۱۳۹۵) و... نوشته شده است. اما در هیچ یک از آنها، بررسی جاهلیت و تحلیل اوصاف آن

در سخنان جعفر بن ابی طالب (ع) مورد توجه قرار نگرفته است. ضمناً، مفهوم جاهلیت یا مدرن به صورت جامع و یا به زبان اصلی مورد تتبع و واریسی دقیق واقع نشده است. این دلایل به همراه مغفول ماندن چرایی توسعه مفهومی جاهلیت به جاهلیت مدرن در آثار یاد شده و همانند آنها، انجام تحقیق حاضر را از دیگران متمایز می سازد.

مفهوم شناسی

۱: جاهلیت

۱-۱: در لغت

واژه «جاهلیت» مأخوذ از ماده «جهل»، نقیض «علم» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۹۰؛ ابن فارس، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۸۹)، ضد حلم (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۴۹۴)، و خلاف طمأنینه و آرامش (ابن فارس، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۸۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۳۱) است. راغب اصفهانی در مفردات، اعتقاد به چیزی برخلاف آنچه هست و یا انجام فعلی برخلاف آنچه باید انجام شود را نیز از مصادیق مفهومی آن دانسته است (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۹).

اما «جاهلیت» مرکب از «جاهل» به همراه «باء نسبت» و «تاء تأنیث» است که در زبان عربی در یکی از موارد زیر به کار می‌رود:

۱. مصدر صناعی به معنای جاهل بودن؛

۲. اسم مصدر، یعنی حاصل و نتیجه همان مصدر صناعی، به معنای حالتی که عرب قبل از اسلام داشت؛ حالتی چون جهل به خداوند، عدم شناخت نسبت به فرستاده او و شرایع دینی، فخرفروشی به پدران و نسب‌ها، کبر و سرکشی و... (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۴۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۳۰)؛

۳. زمان فترت قبل از اسلام (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۹۰)، مانند قول عرب که می‌گوید: «کان ذلک فی الجاهلیة الجَهلاء»؛ در این ترکیب، وصف «الجَهلاء» تأکید «الجاهلیة» است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۶۶۳) و در حقیقت «جاهلیة» اسم منسوب است که به تقدیر «المدة» مؤنث شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۲۴۴)؛

۴. اسمی که در اسلام بر «اهل شرک» (مشرکان) اطلاق می‌شود (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۴۹۴). شاید علت اتخاذ این معنا با توجه به دیدگاه ابن درید درباره «الجاهلیة الجَهلاء» باشد؛ وی «الجَهلاء» را «الجَهلاء» در نظر گرفته، درحالی که در اکثر کتب لغوی به فتح جیم آمده

است. البته کاربرد چهارم (که با اسم جمع مطابقت دارد) از جهت تبادر و لغت ضعیف‌تر به نظر می‌رسد و معنای دوم و سوم با معنای اصطلاحی مطابقت بیشتری دارد. در هر حال، با توجه به گفتار ارباب لغت، «جاهلیة» تنها برهه محدودی از زمان در خلال تاریخ نیست؛ بلکه این معنا یکی از کاربردهای این واژه است که در متون عربی غالباً با حرف جر «فی» همراه می‌شود.

۱-۲: در اصطلاح

مورخان درباره مفهوم اصطلاحی جاهلیت دیدگاه یکسانی ندارند. برخی جاهلیت را به معنای فقدان دانش دانسته و بیشتر بر امی بودن اکثریت عرب جاهلی و فقدان قدرت خواندن و نوشتن آنان تأکید کرده‌اند (ابن سعد، بی تا: ج ۳، ص ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۳۱ و ۶۱۳). گروهی دیگر این واژه را به دوره‌ای بدون قانون، پیامبر و کتاب آسمانی تعبیر کرده‌اند (خلیل حتی، ۱۳۶۶: ص ۱۰۹)، یا آن را به عنوان حالاتی رفتاری و روانی خاص معرفی نموده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸: ج ۱۷، ص ۴۴۰-۴۴۱). محقق دیگری، جاهلیت را به معنای حماقت، حقارت، سفاهت، خشم و تسلیم‌ناپذیری در برابر اسلام و احکام آن تعریف کرده است (جعفریان، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۵۱). آیت‌الله جوادی آملی، جاهلیت را در برابر عقلانیت می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۲۲، ص ۶۱۹). علامه طباطبایی نیز تصریح دارند که قرآن کریم، روزگار عرب پیش از اسلام را به دلیل حاکمیت جهل، باطل و سفاهت بر آنان، "جاهلیت" نامیده است (طباطبایی، بی تا: ج ۴، ص ۱۵۱).

در قرآن کریم، واژه "جاهلیت" به خصوصیات و حالات رفتاری عرب پیش از صدر اسلام اشاره دارد و به معنای رفتار جاهلان، تعصب‌آمیز و پیروی نکردن از حق و عمل نکردن به احکام الهی است (احزاب: ۳۳؛ فتح: ۲۶؛ مائده: ۵۰ و آل عمران: ۱۵۴). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، جاهلیت را به معنای وسیع آن، غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب بر محیط زندگی انسان می‌داند. در این نگاه، جاهلیت به مقابله با حق، توحید و حقوق انسانی، و خروج از مسیر الهی برای سعادت انسان تعبیر شده است (حسینی خامنه‌ای، ۹۴/۲/۲۶، <https://khl.ink/f/۲۹۷۳۶>؛ <https://khl.ink/f/۹۷۱۴>، ۸۹/۴/۱۹). به نظر می‌رسد تعبیر "غلبه نیروهای نفسانی"، دقیق‌تر و جامع‌تر از سایر تعابیر باشد. این مفهوم نشان‌دهنده حالتی است که در آن، نفس بر عقل غالب شده و علم بی‌اثر گشته است؛ چنان‌که امام علی (ع) فرموده‌اند: «چه بسا عالمی که جهلش او را از پا درآورد، درحالی که علمش با او بود ولی سودی به او نرساند» (شریف رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۱۰۷).

در چنین شرایطی، انسان آیات الهی را به تمسخر می‌گیرد (بقره: ۶۷)، دچار سفاهت و حماقت

می‌شود، خشم بر او چیره می‌گردد و حاکمیت غیر خدا را می‌پذیرد. جاهلیت حالتی است که در تقابل با توحید، دین، و سنت الهی قرار دارد. نمونه بارز بروز این صفات در شبه‌جزیره عربستان پیش از اسلام دیده می‌شود و در حال حاضر نیز در قالب تمدن غربی، با شعارهای فریبنده و اصالت‌بخشی به انسان، به صورت گسترده‌تر و شدیدتری نمود یافته است.

۲: مدرن

۱-۲: در لغت

واژه "مدرن" در لغت به معنای اندازه‌گیری است و در مقام سنجش زمان به معنای "هم‌اینک" به کار می‌رود. اشکال مختلف این واژه از کلمه لاتین MODERNUS مشتق شده است (گیلسپی، ۱۳۹۸: ص ۴۴). این واژه نخستین بار توسط کاسیدوروس (مورخ و مترجم رومی، ۴۸۵-۵۸۵م) در قرن ششم برای تمایز دوران خود از نویسندگان متقدم رومی و متألهان دوره آباء کلیسا استفاده شد (همان).

۲-۲: در اصطلاح

برخی مدرن را به معنای جدایی از سنت و دین می‌دانند (Nasr, ۱۹۹۰, p.۹۸). از نظر هگل (فیلسوف آلمانی، ۱۷۷۰-۱۸۳۱م)، مدرن بودن به معنای پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی است (کسرایبی، ۱۳۷۹: ص ۴۶-۴۷). در دیدگاه متفکرین غربی، عصر مدرن عصری است که انسان تلاش می‌کند تفکرات خود را از آموزه‌های دینی جدا کند (Mcinerny, ۱۹۹۴, p. ix). بر این اساس، مدرن به معنای آزاد بودن از هرگونه قید، به‌ویژه قیود دینی است (نبویان، ۱۳۸۷: ص ۲۲).

۳: جاهلیت مدرن

مقام معظم رهبری از تمدن غربی به‌عنوان جاهلیت مدرن یاد می‌کنند و می‌فرمایند: «تمدن غربی امروز، جاهلیت مدرن است. جاهلیت همان جاهلیت است، اما امروز به شکلی تجدید یافته و مدرن شده بروز یافته است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۲/۱۰، <https://khl.ink/f/۴۹۶۸۰>). سید قطب نیز معتقد است: «جاهلیت قدیم بر اساس جهالت، سادگی و خامی استوار بود، اما جاهلیت نوین بر دانش، پیچیدگی و تمسخر و تحقیر پایه‌گذاری شده و بر اصولی مانند تجاوز به فرمانروایی خداوند بنا شده است» (سید قطب، ۱۳۷۷: ص ۳۵). بر این اساس و با توجه به تعاریف

پیش‌گفته از دو واژه «جاهلیت» و «مدرن»، می‌توان نتیجه گرفت که «جاهلیت مدرن» به هر پدیده یا حالتی اطلاق می‌شود که بشر عصر حاضر را از توحید جدا کرده و به مقابله با راهی بپردازد که خداوند برای سعادت انسان‌ها مقرر کرده است.

توسعه گستره زمانی جاهلیت و دلایل آن

یکی از مباحث مهم پیرامون واژه «جاهلیت»، گستره زمانی آن است. این پرسش مطرح می‌شود که آیا «جاهلیت» محدود به دوره‌ای خاص است یا اینکه در همه زمان‌ها می‌تواند نمود یابد؟ پاسخ آن است که گستره جاهلیت فراتر از زمان یا مکان خاصی است و می‌تواند در هر دوره‌ای خود را نشان دهد. در تأیید این دیدگاه، علاوه بر سخنان اهل لغت، می‌توان به دلایل قرآنی و روایی نیز استناد کرد.

۱: آیات قرآن

بررسی آیات قرآنی که واژه «الجاهلیة» در آنها به کار رفته است، همچون «ظنّ الجاهلیة» (آل عمران: ۱۵۴)، «تبرجّ الجاهلیة» (احزاب: ۳۳)، «حکم الجاهلیة» (مائده: ۵۰) و «حمیة الجاهلیة» (فتح: ۲۶)، به علاوه مشتقات جهل و آثار آن در قرآن، مانند انحرافات جنسی (نمل: ۵۵)، بی‌بندوباری (یوسف: ۳۳)، ناسزاگویی (فرقان: ۶۳)، ستمگری (یوسف: ۸۹)، یاوه‌گویی (فرقان: ۶۳)، استهزا (بقره: ۶۷)، ارزش‌گذاری نادرست (هود: ۲۹)، لجاجت در پذیرش حق (انعام: ۱۱۱) و کفر و شرک (اعراف: ۱۳۸)، نشان می‌دهد که جاهلیت تنها به دوران پیش از ظهور اسلام محدود نمی‌شود.

این مفهوم در هر زمانی که معیارهای دخیل در «جاهلیت» محقق شود، مصداق می‌یابد؛ چه در شکل قدیم و چه در شکل مدرن آن. مفسران آیه ۳۳ سوره احزاب (الجاهلیة الاولى) را به جاهلیت پیش از اسلام در مقابل جاهلیت در اسلام (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۵۳۷؛ بیضاوی، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۳۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ص ۱۹۰) و حتی جاهلیت آخرالزمان تعبیر کرده‌اند (طیب، ۱۳۶۹: ج ۱۰، ص ۵۰۰؛ خازن، بی‌تا: ج ۳، ص ۴۳۵؛ بغوی، بی‌تا: ج ۳، ص ۶۳۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۷، ص ۲۹۱).

همچنین سخن ابن عباس که گفته است «اولی» مفهومی ندارد مگر اینکه «آخری» نیز در مقابل آن وجود داشته باشد (ابن ابی‌حاتم، بی‌تا: ج ۹، ص ۳۱۳۱) و به زودی جاهلیتی دیگر رخ خواهد داد (ابن ابی‌حاتم، بی‌تا: ج ۱۹، ص ۱۳۱۳؛ قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۹۳؛ عروسی حویزی، بی‌تا:

ج ۲، ص ۱۹۳؛ بحرانی، بی تا: ج ۴، ص ۴۴۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۱۹۷؛ ابن سلام تیمی، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۷۱۶)، دلیلی دیگر بر این مدعاست. برخی از مفسران همچون فخر رازی (۱۴۲۰: ج ۲۵، ص ۱۶۷)، قرطبی (۱۳۶۴: ج ۱۴، ص ۱۸۰) و قاسمی (بی تا: ج ۸، ص ۶۷) انطباق جاهلیت اولی بر جاهلیت قدیم را بدون وجود جاهلیتی دیگر، غیرقابل قبول می دانند (طباطبایی، بی تا: ج ۱۶، ص ۳۱۶). در نتیجه، جاهلیت به زمان یا مکان خاصی محدود نمی شود، بلکه حالتی اجتماعی است که می تواند در هر دوره و در هر نقطه ای ظاهر شود (سید قطب، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۲۸۵).

۲: روایات

از روشن ترین دلایل روایی بر استمرار جاهلیت در دوران پس از پیامبر اسلام (ص)، روایت «بُعْثُ بَيْنَ جَاهِلِيَّتَيْنِ، لَأَخْرَاهُمَا شَرًّا مِنْ أَوْلَاهُمَا» است (نبیل سعدالدین جرار، ۱۴۲۸: ج ۵، ص ۲۱۲؛ ابو معاش، ۱۴۳۰: ص ۴۵۷). یعنی: "من بین دو جاهلیت که دومین آن سخت تر از اولی است برانگیخته شدم." همچنین در حدیثی درباره لزوم شناخت امام آمده است: «به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا رسول خدا (ص) فرموده است: هر کس بمیرد و امام زمانش را شناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمود: آری! گفتم: این کدام جاهلیت است؟ آیا جاهلیت مطلق است یا جاهلیت عدم شناخت امام؟ فرمود: جاهلیت کفر، نفاق و گمراهی است» (شریف رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۱۰۷).

این روایت نشان می دهد که جاهلیت، کفر و نفاق می تواند به دوران پس از اسلام نیز مربوط باشد و صرفاً به پیش از اسلام محدود نمی شود. حضرت فاطمه زهرا (س) نیز در خطبه فدکیه به مصداقی از حکم جاهلیت اشاره کرده و فرموده اند: «اکنون گمان می کنید که برای ما ارثی نیست؟! آیا حکم جاهلیت می طلبید؟ چه کسی بهتر از خدا حکم می کند برای کسانی که ایمان آورده اند؟ پس چرا آگاه نمی شوید؟» (ابن طیفور، بی تا: ص ۲۶). این احتجاج حضرت زهرا (س) نشان می دهد که جاهلیت تنها مختص پیش از بعثت نیست، بلکه هرگاه التزام به ویژگی های مربوطه و صدور حکم بر اساس آن مشاهده شود، جاهلیت رخ می دهد.

۳: گفتار جعفر بن ابی طالب (ع)

بررسی سخنان جعفر بن ابی طالب (ع) در ملاقات با نجاشی (پادشاه حبشه) به دلایلی سه گانه بر توسعه مفهوم جاهلیت دلالت دارد:

۳-۱: معرفی جاهلیت با بیان اوصاف و شاخصه‌های آن:

در ادامه توسعه مفهوم «جاهلیت» و بیان ویژگی‌های آن، جعفر بن ابیطالب (ع) نیز در پاسخ به پرسش‌های نجاشی معنای «جاهلیت» را با استفاده از خصایص و شاخصه‌های آن برای مخاطب خود ترسیم کرده و چنین می‌گوید: «ای پادشاه! ما قومی بودیم که جاهلیت را پذیرفته بودیم، بت‌ها را می‌پرستیدیم و مردار می‌خوردیم» (ابو نعیم، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۸۰). روشن است که توصیف یک مفهوم با بیان ویژگی‌ها و اوصاف آن، تصویری در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که هرگاه آن ویژگی‌ها را در جایی بیابد، همان مفهوم برای او تداعی می‌شود. بر این اساس، در هر دوره‌ای که شاخصه‌های مطرح‌شده در تعریف «جاهلیت» تحقق یابد، می‌توان آن زمان را نیز واجد این ویژگی دانست.

۳-۲: به‌کارگیری واژه «اهل»

در برخی نسخه‌های تاریخی، جعفر بن ابیطالب (ع) سخن خود را چنین آغاز می‌کند: «کنا قوماً أهل الجاهلیة» و بدین ترتیب، جاهلیت را مضاف‌الیه «اهل» قرار می‌دهد. برخی ارباب لغت در تعریف «اهل اسلام» می‌گویند: «اهل اسلام کسی است که دین اسلام را داشته باشد. بنابراین، اهل تقوی در آیه قرآن به کسی اطلاق می‌شود که تقوا پیشه کند» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۹). در آیه «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» (مدرثر، ۵۶؛ هود، ۴۶) نیز آمده است: «او از اهل تو نیست و تحت ولایت تو قرار ندارد» (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۴۵). بنابراین، عبارت «کنا قوماً أهل الجاهلیة» بدین معناست که ما قومی بودیم که جاهلیت را به‌عنوان یک آیین پذیرفته بودیم. مؤید این مطلب، حدیث نبوی است: «صار الناس كلهم أهل جاهلیة إلا أربعة علی و المقداد و سلمان و أبو ذر. فقلت: فعمار؟ فقال: إن كنت تريد الذين لم يدخلهم شیء، فهؤلاء الثلاثة» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۹۹).

این روایت نشان می‌دهد که حتی در دوران پس از اسلام نیز همه مردم، به‌جز چهار نفر، متصف به اوصاف جاهلیت شدند. در پاسخ به چرایی استثنای عمار از این جمع، رسول اکرم (ص) می‌فرماید که اگر کسانی را بخواهی که هیچ ویژگی از جاهلیت در آنها وجود نداشته باشد، فقط همان سه بزرگوار را باید در نظر گرفت.

۳-۳: نسبت دادن جاهلیت به «قوم»

شاهد دیگری بر اینکه جاهلیت تنها به دوره‌ای خاص محدود نمی‌شود، آن است که جعفر بن

ابی طالب (ع) جاهلیت را به «قوم» نسبت می‌دهد و می‌گوید: «کنا قوماً أهل الجاهلیة» به‌جای آنکه بگوید: «کنا فی الجاهلیة نعبد الأصنام». این نوع بیان، جاهلیت را به حالتی اجتماعی نسبت می‌دهد که ممکن است در هر زمانی تحقق یابد. همچنین، این تعبیر نشان می‌دهد که جاهلیت به معنای «حالاتی» است که یک قوم را متصف می‌کند، درحالی‌که جعفر بن ابی‌طالب (ع) خود مبرای از آن بوده است. به‌عنوان نمونه، در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که جعفر بن ابی‌طالب (ع) حتی پیش از ظهور اسلام نیز از اوصاف جاهلیت مبرا بوده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۷).

نمونه‌هایی از شاخصه‌های جاهلیت اولی در کلام جعفر بن ابی‌طالب (ع) و تطبیق آن با جاهلیت مدرن

همان‌گونه که در سخنان جعفر بن ابی‌طالب (ع) مشاهده شد، جاهلیت با اوصافی چون بت‌پرستی، خوردن مردار و... توصیف می‌شود. این ویژگی‌ها که همگی نوعی شرک (با درجات مختلف) و پرستش غیرخداوند را نشان می‌دهند، در مقابل ولایت الهی قرار دارند. بت‌پرستی، همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، می‌تواند به اشکال مختلفی مانند قدرت‌پرستی، شهوت‌پرستی و تبعیت از هوای نفس بروز یابد. این نوع رفتارها منجر به پیامدهایی نظیر اکل میته، ظلم به زبردستان، ولنگاری و بی‌توجهی به خویشان می‌شود.

در عصر حاضر نیز، با استناد به اصولی مانند اومانیسیم، لیبرالیسم، سکولاریسم و رفرمیسم مذهبی که از اصلی‌ترین مؤلفه‌های مدرنیته به‌شمار می‌روند (احمدی، ۱۳۷۳: ص ۱۱)، این شاخصه‌ها در جاهلیت مدرن به وضوح دیده می‌شوند. افزون بر این، سایر «ایسم»‌های تولیدشده توسط جاهلان مدرن، به گونه‌ای تجاوز دوباره به حاکمیت خداوند بر زمین محسوب می‌شوند. برای توضیح بیشتر، در ادامه به بررسی هریک از این اوصاف و تطبیق آن‌ها با مظاهر جاهلیت مدرن می‌پردازیم.

۱: بت‌پرستی:

از مهم‌ترین شاخصه‌های جاهلیت، که سایر مظاهر آن به نحوی به آن بازمی‌گردند، بت‌پرستی است. جعفر طیار (ع) با عبارت «تعبد الأصنام» به این موضوع اشاره می‌کند. عبادت به معنای انقیاد و خضوع است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۹) و نهایت تذلل (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۴۲). واژه «اصنام» جمع «صنم» به معنای هر چیزی است که پرستیده شود (ابن درید،

۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۸۹۹). دقت در مفهوم «عبادت» نشان می‌دهد که پرستش صرفاً به معنای نماز، روزه، یا قربانی در برابر یک بت سنگی نیست. این رفتارها تنها آداب پرستش در ادیان مختلف هستند. پرستش به معنای تسلیم مطلق، وابستگی افراطی، هدف نهایی قرار دادن، و حرکت به سوی چیزی یا کسی با تمام وجود است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۵۷). هر شخص یا چیزی که این مصداق را پیدا کند، معبود انسان می‌شود و انسان به عبد و بنده او تبدیل می‌گردد.

این مفهوم باعث می‌شود «إله»ها و «رب»های کاذب بی‌شماری به وجود آیند. این بت‌های مدرن در اشکال مختلفی چون علم‌پرستی، شهوت‌پرستی، قدرت‌پرستی، و از همه مهم‌تر هواپرستی ظهور می‌کنند. هوای نفس خود عامل گرایش به بسیاری از معبودهای کاذب دیگر است (نک: مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۰۱). این نوع پرستش منشأ بروز صفاتی چون ولنگاری، ارتکاب فواحش، زورگویی، و ستم توانگران نسبت به درماندگان و همسایگان است. جعفر طیار (ع) نیز در سخنان خود به این موارد به‌عنوان مصادیق جاهلیت اشاره کرده است. بنابراین، اگر مردمان جاهل در گذشته برای بت‌های خود اسامی می‌تراشیدند، جاهلان مدرن امروز نیز با ساخت «ایسم»های متعدد بت‌های جدیدی می‌سازند.

اومانیسیم، هگلیسم، مارکسیسم، کمونیسم، فرویدیسم، داروینیسیم، ماتریالیسم، فرمیسم، مذهب، فمینیسم، لیبرالیسم و ... نمونه‌هایی از این ایسم‌ها هستند که به‌عنوان نمادهای مدرنیته در برابر دین و سنت الهی قرار گرفته‌اند (احمدی، ۱۳۷۳، ص ۱۱). این‌ها اسامی بی‌مسمایی‌اند که هیچ حقانیت یا سلطه‌ای ندارند» «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمِيَتْهُنَّ أُتُمٌ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...» (یوسف، ۴۰) این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هایی (بی‌مسمای) که شما و پدران‌تان آنها را خدا نامیده‌اید، نیستند. خداوند هیچ دلیلی بر آنها نازل نکرده است.

خداوند انسان را به سوی توحید فرا می‌خواند و متذکر می‌شود که نه خود انسان، نه آنچه در زمین و آسمان است و نه گمان‌ها و ساخته‌های او سزاوار پرستش نیستند. تنها اله حقیقی الله جلّ جلاله است، و بازگشت همه به سوی اوست (بقره، ۴۶). از این رو، تنها باید او را پرستید: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي...» (طه، ۱۴) بر همین اساس، جعفر طیار (ع) در ادامه گفتار خود، توحید و عدم شرک را نقطه مقابل جاهلیت - که شامل بت‌پرستی، هواپرستی، و قدرت‌پرستی است - قرار می‌دهد. حقیقت توحید تنها با تبعیت محض از خدا و رسول به دست می‌آید، که به معنای توحید در ولایت است: «كُنَّا قَوْمًا أَهْلَ جَاهِلِيَّةٍ... فَصَدَقْنَاهُ وَأَمْنَا بِهِ وَاتَّبَعْنَاهُ عَلَىٰ مَا جَاءَ بِهِ

مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَعَبَدْنَا اللَّهَ وَحْدَهُ فَلَمْ نُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا، وَحَرَمْنَا مَا حَرَّمَ عَلَيْنَا وَأَحَلَّلْنَا مَا أَحَلَّ لَنَا» (ابو نعیم، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۱۱۵) پیامبر (ص) را تصدیق کردیم و به او ایمان آوردیم و از آنچه از نزد خدا آورده بود، پیروی کردیم. در نتیجه، تنها خدا را پرستیدیم و برای او هیچ شریکی قائل نشدیم، و حرام او را حرام و حلال او را حلال دانستیم.

۲: مردار خواری:

در پرتو فراز «تَأْكُلُ الْمَيْتَةَ»، به یکی دیگر از خصوصیات جاهلیت اشاره شده است. «المیته» به حیوانی گفته می‌شود که بدون ذبح شرعی روح از بدنش جدا شده باشد (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۸۲). تکیه بر این ویژگی به عنوان دومین شاخصه جاهلیت، شاید به دلیل اهمیت آمادگی جسمانی انسان برای رسیدن به مقام قرب الهی باشد؛ زیرا روح انسان نیز از آنچه جسمش دریافت می‌کند، تأثیر می‌پذیرد. چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید: «گوشت مردار سبب ضعف بدن، قطع نسل و مرگ ناگهانی می‌شود و خوردن خون موجب سنگدلی و قساوت قلب است» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶۲). با توجه به آموزه‌های اسلامی، هدف از ارسال رسل نجات انسان‌ها از گمراهی و جهالت است: «نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ بَعَثَهُ بِالْحَقِّ نَبِيًّا دَالًّا عَلَيْهِ وَ هَادِيًّا إِلَيْهِ فَهَدَىٰ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ اسْتَفْذَنَّا بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۲).

یکی از مصادیق جهالت، جهل به خوردنی‌های حرام و فلسفه حرمت آنهاست. دست‌یابی به این معرفت، نوعی اطلاع و آگاهی از غیب است که بر عهده پیامبر(ص) گذاشته شده است؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند؛ ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمی‌گزیند» (آل عمران: ۱۷۹). پیامبر نیز بر اساس این آگاهی الهی، طیبات را حلال و خبائث را حرام اعلام می‌کند: «يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» (اعراف: ۱۵۷). از آنجا که جهالت در قرن‌های متمادی به گونه‌های مختلفی ظهور و بروز کرده است، مبارزه با آن نیز باید متناسب با گونه‌های جهالت تداوم یابد. در همین راستا، جانشین پیامبر که همان امام معصوم است، عهده‌دار این امر خطیر است تا بندگان را از حیرت ضلالت و جهالت نجات دهد: «لَيْسَتْ نَفْسٌ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۷۷). بدین جهت، قرآن کریم در آیه سوم سوره مائده، با طرح مسأله اكمال دین و اتمام نعمت، وظیفه امام را در مبارزه با جاهلیت مدرن بیان کرده است (حسینی‌نیا، ۱۳۹۸، ش ۱،

ص ۲۰۹).

جعفر بن ابی‌طالب (ع) نیز خروج از جاهلیت را به تبعیت از رسول و رعایت حرام و حلال‌های الهی وابسته می‌داند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۰). اما انسان در عصر کنونی به دلیل علم‌زدگی و فرضیه‌پرستی، خود را بی‌نیاز از وحی دانسته و گمان می‌کند که در پرتو پیشرفت‌های علمی می‌تواند به رموز و اسرار خلقت دست یابد. یکی از نمونه‌های این پندار، تولید غذاهای تراریخته (دستکاری ژنتیکی) است (باقری، ۱۳۸۶، ص ۲۰). در جاهلیت مدرن، علاوه بر مصرف گوشت حیوانات بدون ذبح شرعی، چهره‌های شنیع‌تری مانند آدم‌خواری نیز ظهور یافته است. برای نمونه، در یکی از رستوران‌های ایالت کانتون چین، جنین انسان برای تهیه سوپ استفاده می‌شود (شفیعی‌سروستانی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۴). این در حالی است که در هیچ‌یک از منابع تاریخی، سخنی از آدم‌خواری عرب جاهلی به میان نیامده است. این رفتار چیزی جز رهروی از شیطان نیست: «یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (بقره: ۱۶۸).

۳: ارتکاب فواحش (ولنگاری):

جعفر بن ابی‌طالب (ع) در بخش دیگری از سخنان خود با عبارت «نَأْتِي الْفَوَاحِش» به یکی دیگر از خصوصیات منفی اخلاقی اعراب جاهلی اشاره می‌کند. منشأ این ویژگی، شهوت و هوای نفس‌پرستی است. «الفاحشه» در لغت به افعال و اقوالی که قبیح آنها زیاد باشد (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۴۱۲) و از حد تجاوز کند، اطلاق می‌شود (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۱۱). فساد اخلاقی عرب جاهلی در این حد بود که در اشعار خود می‌خوارگی، جنگاوری و زنجارگی را سه خصلت جوانمردی می‌شمردند (شوقی، ۱۳۶۴، ص ۸۲). علاقه عرب جاهلی به شراب به حدی بود که برخی مانند اعشی، شاعر معروف عرب، به دلیل نهی اسلام از نوشیدن آن، از گرویدن به اسلام خودداری کردند (دینوری، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۵۰؛ خلیل‌حتی، ۱۳۶۶، ص ۷۷).

استفاده از «الفواحش» به صورت جمع همراه با «ال»، از غرق شدن آنان در انواع فساد خیر می‌دهد که انحرافات جنسی برجسته‌ترین آن است. قرآن کریم به برخی از این انحرافات با عناوینی همچون «زنا» (نساء: ۱۵ و ۱۶)، «لواط» (نمل: ۵۵)، «همجنس‌گرایی زنان» (برخی تفاسیر، واژه «الفاحشه» در آیه ۱۵ سوره نساء را به مساحقه و همجنس‌گرایی زنان تفسیر کرده‌اند؛ نک: مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۰۹)، «آمیزش با محارم» (نساء: ۲۲)، «واسطه‌گری‌های نامشروع و دلالی جنسی» (نور: ۳۳) و «خودنمایی جنسی» (احزاب: ۳۳) اشاره می‌کند. این مفاسد

در جاهلیت مدرن، به مراتب عمیق تر و گسترده تر مشاهده می شود. اگر در جاهلیت پیشین، زنان آلوده «ذوات الاعلام» بودند و پرچم بر در خانه خود می زدند تا افراد را به سوی خود دعوت کنند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۹۴)، در جاهلیت قرن معاصر، کلپ‌های برهنگان - که نمونه‌های انگلیسی و فرانسوی آن معروف است - تأسیس می شود (Michael, ۲۰۰۴, (۲): ۳-۱۴, Katherine, ۲۰۰۵, ۱۹). در این دوره، افراد از طرق مختلف، از تن فروشی کسب درآمد می کنند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۶۱).

برای نمونه، تنها در ایالات متحده، سالانه حدود سیزده هزار فیلم پورنو (هرزه‌نگاری) تولید می شود. درآمد جهانی این صنعت شامل پخش فیلم‌ها در هتل‌ها، کلپ‌های جنسی و سایر رسانه‌ها، با درآمد شرکت‌های پیشرو در فناوری مانند «مایکروسافت»، «گوگل» و «اپل» برابری می کند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲؛ نک: کریس هجز، به نقل از موعود، ۱۳۸۸، ش ۱۰۸). امروز نه تنها قمار و شراب، بلکه انواع جدید مواد مخدر با اشکال مختلف، موجب فساد و فجایع جدیدی شده است. روابط بی قید جنسی، مانند روسپی‌گری (Nordic, ۲۰۱۸, p. ۳۲)، ازدواج سفید (Lichter, ۲۰۱۰, p. ۷۵۵)، آزادی همجنس‌گرایی (Verta, ۱۹۹۳, p. ۳۷) و ارتباط جنسی با حیوانات (رجانیوز، ۱۳۹۰/۱۰/۳، <https://www.rajanews.com/news/۹۴۹۷۲>) در جهان متمدن امروز از نشانه‌های بارز جاهلیت عصر حاضر است. این موارد، با تکیه بر اعتقادات لیبرالیستی، تحت عناوین «آزادی بیان» و «آزادی اندیشه» ترویج می شود.

امروزه، مردم حتی در دورافتاده‌ترین نقاط جهان، به مدد پیشرفت علم و فناوری و سیاست‌های استعماری، از طریق شبکه‌های مجازی و رسانه‌های تبلیغی، به آسان‌ترین روش‌ها و کمترین هزینه، مورد هجوم مروجان فساد و فحشا قرار می گیرند. رهبر معظم انقلاب در این باره می فرماید: «اینها همان چیزهایی است که آن روز بود، امروز هم همان‌ها هست؛ منتها آن روز محدود بود، امروز گسترده است و سازماندهی شده. پشت بسیاری از این فسادها و مفاسد، منطق‌های مصنوعی درست شده؛ یعنی پشتوانه‌های منطقی و فکری برای آن فراهم کرده‌اند و به بشریت ارائه می کنند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۲/۱۰، <https://khl.ink/f/۴۹۶۸۰>).

خدای متعال به این مفاسد اشاره دارد و آنها را از اعمال شیطان می داند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است؛ از آنها دوری کنید تا رستگار شوید» (مائده: ۹۰). عمل به حکم شیطان، جهل است (ابوحیان، بی‌تا،

ج ۴، ص ۲۸۷) و تبعیت از او، تن دادن به حکم جاهلیت محسوب می‌شود (عروسی‌خویزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۴۰). اما کسانی که خود را از تاریکی‌های جهل رهانیده‌اند، حاضر نیستند آزادی ظاهری جسم خود را قربانی آزادی روح خویش کنند (یوسف: ۳۳).

۴: نادیده‌گیری پیوندهای خویشی:

یکی دیگر از اوصاف جاهلیت که جعفر بن ابیطالب (ع) بیان می‌کند، قطع رحم و گسستن پیوندهای خویشی است. واژه «رحم» به معنای عضو خاص بدن زن، کنایه از «قربابت» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۴) و قطع رحم عبارتست از قطع ارتباط با خویشان هر چند به چندین واسطه به فرد منسوب باشند. (طاهری خرم آبادی، ۱۴۰۷، ص ۱۲) قرآن قطع کنندگان پیوند خویشی را مورد لعن قرار داده (بقره، ۲۵؛ رعد، ۲۶؛ محمد، ۲۴ و ۲۵) و به صله رحم فرمان می‌دهد (نساء، ۱) و بنا بر حدیث قدسی هر کس صله رحم را ترک کند از رحمت الهی محروم خواهد ماند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۱۸۷) براین اساس قرآن در کنار دستور به پرستش الهی و دوری از شرک، احسان به پدر و مادر و بستگان و خویشاوندان، توصیه به نیکی و احسان در حق همسایگان نموده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجَنَّبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (نساء، ۳۶)؛ و خدا را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنی. همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور و دوست و همنشین و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند) را دوست نمی‌دارد.

از آیه مشخص می‌شود که قطع رحم، ناشی از تکبر و فخرفروشی است و در حقیقت، از صفات شیطان و نتیجه خودپرستی و هواپرستی محسوب می‌شود. به همین دلیل، علامه طباطبایی (ره) این آیه را ناظر بر توحید عملی می‌داند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۵۴). امام صادق (ع) نیز در حدیثی فرموده‌اند: «اگر کسی حقوق اخوت را مراعات نکند، از ولایت و اطاعت خدا بیرون رفته و بهره‌ای از بندگی او نبرده است: قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ قَالَ لَهُ سَبْعُ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ... إِنَّ ضَيْعَ مِنْهَا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِيهِ مِنْ نَصِيبٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۹). در دنیای امروز، صنعتی‌شدن جوامع، تجمل‌گرایی،

رقابت‌های ناسالم، مشغله‌های فراوان و تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه، با اصالت‌بخشی به فردگرایی، باعث افزایش فاصله‌ها شده است. این تعلق و توجه بیش از حد به خود، مانع از آن شده که انسان بتواند رثوف و تجلی رحمانیت پروردگار خویش باشد.

۵: بد رفتاری با همسایگان:

یکی دیگر از شاخصه‌های جاهلیت، تعبیر «نسیئ الجوار» است. جوار در لغت، اسم مصدر به معنای مجاورت است (ابن درید، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۱۰۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۵۳). معنای این فراز چنین است که افراد حسن همجواری را رعایت نکرده و در حق یکدیگر بدی می‌کردند. مراعات حق همسایه در کنار حق بندگی و نیکی به والدین در قرآن کریم (نساء، ۳۶) نشانه اهمیت همسایه‌داری در منظر قرآن است. بی‌توجهی به این حق، نشانه تکبر و فخرفروشی است که از صفات شیطان بوده و انسان را از محبت خداوند دور می‌سازد. به همین دلیل، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، نباید همسایه‌اش را آزار دهد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴). همچنین، محبت و ولایت خداوند در حسن همجواری و نیکی به همسایگان جلوه‌گر است: «إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ يُحِبَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَأَدُّوا إِذَا اتَّيَمْتُمْ وَاصْدُقُوا إِذَا حَدَّثْتُمْ وَأَحْسِنُوا جِوَارَ مَنْ جَاوَرَكُمُ» (پاینده، بی‌تا، ص ۲۶۴).

امروزه، با توسعه جوامع صنعتی و افزایش آپارتمان‌نشینی، خطر تضييع حقوق همسایگان بیشتر شده است. مزاحمت‌های زبانی، چشم‌چرانی، سروصدای زیاد، کنجکاوی، تجسس و بی‌توجهی به حال و روز همسایگان، نمونه‌هایی از آزارهایی هستند که امروز بیش از گذشته دیده می‌شوند.

۶: ستم به ضعیفان و تهی‌دستان:

در ادامه، جعفر طیار در جمله «ناکل القوی منا الضعیف» شاخصه دیگری را بیان می‌کند. تعبیر «اکل ضعیف توسط قوی» استعاره‌ای از تجاوز و ستم اشراف و بزرگان به حقوق مستضعفان است که ناشی از قدرت‌طلبی و استکبار طبقه مرفه بوده و انحرافات اقتصادی و اخلاقی مردم آن زمان را نشان می‌دهد.

از نمونه‌های ستم دوران جاهلیت اولی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ظلم به بازماندگان کشته‌های جنگ، مانند محروم کردن فرزندان کوچک از ارث و اختصاص آن به فرزندان بزرگ‌تر، سرپرستی یتیمان برای غارت اموال آنان، ازدواج با دختران یتیم برای تصاحب دارایی‌شان و

سپس رهاکردن آنان در صورت اتمام اموالشان (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴، صص ۱۵۲-۱۵۳). قرآن کریم با شدیدترین لحن از این ظلم نهی کرده و آنان را مورد سرزنش قرار داده است: «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، در حقیقت، تنها آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش دوزخ می‌سوزند» (نساء، ۱۰). «اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنان بدهید و اموال بد خود را با اموال خوب آنها عوض نکنید! و اموال آنان را همراه اموال خود نخورید؛ زیرا این گناه بزرگی است» (نساء، ۲). همچنین، قربانی کردن کودکان در برابر بت‌ها، نمونه دیگری از این ستم‌هاست. برای نمونه، کودکی خردسال را برای قربانی کردن به پای بت‌ها می‌آوردند تا برکت بیابند (سبحانی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۵۷-۶۲).

زن در نزد عرب جاهلی مانند کالا خریدوفروش می‌شد و در ردیف حیوانات بود (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۴۲). زنده‌به‌گور کردن دختران (نحل، ۵۸-۵۹) و به ارث‌بردن زنان شوهرمرده توسط پسر ناپدری یا خویشاوندان شوهر (نساء، ۱۹) از مصادیق دیگر ظلم به ضعیفان بود. امروزه، نقطه مقابل این رویه جاهلی، به شکل افراطی در قالب فمینیسم مشاهده می‌شود. این پدیده راه را برای سلطه زنان بر مردان هموار کرده و کرامت زن را به شکلی دیگر آسیب‌زده است. اگر در جاهلیت اولی تعدادی از دختران زنده به گور شدند، در عصر کنونی با سقط جنین به شکل قانونی، هزاران هزار دختر و پسر به گور فرستاده می‌شوند (فدراسیون بین‌المللی، ۲۰۰۹م؛ نک: رستمی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۵).

اگر در جاهلیت گذشته، جنگ و غارتگری عرب رایج بود، در جاهلیت عصر ما جنگ‌های جهانی رخ می‌دهد که میلیون‌ها نفر در آن قربانی و بسیاری دیگر مجروح یا ناقص‌الخلقه می‌شوند (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۹۱). برای نمونه، جنگ جهانی دوم به جنگی با تلفات بیش از چهل میلیون نفر موسوم شده است (نک: مهدوی، ش ۵۰۹۹). اگر در گذشته، سرمایه‌داران عرب همه‌کاره مردم بودند و برده‌داری مرسوم بود و مستمندان مطیع محض ثروتمندان بودند (عمادزاده اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۲)، در جاهلیت مدرن، شکل معاصر برده‌داری در قالب قاچاق انسان (Gupta, ۲۰۱۱, p.۷) و استثمار کشورهای ضعیف توسط نظام سرمایه‌داری، به صورت گسترده مشاهده می‌شود. این امر، به غارت جهان سوم و همچنین استثمار طبقات ضعیف در جوامع سرمایه‌داری منجر شده و فجایع غم‌انگیز و وحشتناکی را به بار آورده است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، صص ۳۹-۴۲).

این جنایات و پایمال کردن حقوق انسان‌ها، ناشی از قدرت‌پرستی، اطاعت از هواهای نفسانی

و غلبه شیطان است. به فرموده مقام معظم رهبری: «وقتی غلبه‌ی قدرت‌های شیطانی شد، طغیان پدید می‌آید. طاغوت یعنی این: افساد کردن. با یک بمب صدها هزار نفر را می‌کشند و حاضر به عذرخواهی نیستند. این جریان و این جبهه جاهلیت است: «اذا تولى سعى فى الارض ليفسد فيها و يهلك الحرث و النسل» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۱۶، <https://khl.ink/f/۳۳۰۱۱>).

نکته پایانی: اینها مجموع صفاتی بود که جعفر بن ابی طالب (ع) به‌عنوان اوصاف جاهلیت برشمرده و راه برون‌رفت از آنها را در توحید و تبعیت از رسول (ص) بیان کرد. ایشان فرمودند: «فاتبعنا... فبعنا الله وحده فلم نشرك به شيئاً» که نشان می‌دهد:

۱. جاهلیت نقطه مقابل توحید و پذیرش ولایت و حاکمیت خداوند است.
 ۲. دوربودن از ولی، مهم‌ترین عامل حصول جاهلیت به شمار می‌رود و عدم معرفت به حجت خداوند در هر زمان، سبب قرار گرفتن در صف جاهلان است.
- بنابراین، در عصر حاضر نیز تنها راه رهایی از جاهلیت مدرن، چنگ زدن به ریسمان محکم ولایت و روی آوردن به سوی ولی زمان است. تا زمانی که بشر کنونی از حجت خداوند رویگردان باشد، روزبه‌روز بر جهالتش افزوده می‌شود و زندگی و مرگش جاهلانه خواهد بود.

نتایج پژوهش:

جاهلیت، به معنای غلبه و حاکمیت نیروهای نفسانی، حالتی است که انسان را از توحید جدا ساخته و او را به مقابله با مسیر سعادت و راهی می‌کشاند که خداوند برای انسان‌ها در جهت کمال و رستگاری گشوده است. این وضعیت به طور بنیادین، اصل توحید و تبعیت از خداوند را زیر سؤال می‌برد و انسان را در معرض گمراهی و انحراف قرار می‌دهد. با دقت در متون لغوی و بررسی مفاد آیات قرآن کریم و روایات مرتبط با مفهوم «جاهلیت» (به‌ویژه تعابیر ناظر به جاهلیت اولی)، همچنین با توجه به ویژگی‌ها و اوصاف آن در کلام حضرت جعفر طیار (ع)، به وضوح روشن می‌شود که جاهلیت به زمان یا مکانی خاص محدود نمی‌شود و این خطر همواره وجود دارد که انسان‌ها دچار جاهلیت شوند و در برخی موارد، این خطر حتی شدیدتر از گذشته به نظر می‌رسد.

جاهلیت در کلام جعفر بن ابی‌طالب (ع) به ویژگی‌هایی چون بت‌پرستی، خوردن مردار، ظلم به ضعیفان و بی‌توجهی به حقوق همسایگان و نزدیکان تفسیر می‌شود. این ویژگی‌ها که همگی نشان‌دهنده شرک به درجات مختلف هستند، به نوعی پرستش غیر از خداوند و تبعیت از امر

شیطان محسوب می‌شود. در این فرآیند، انسان‌ها به جای پیروی از ولایت خداوند، از او دور می‌شوند و در مسیر تبعیت از طاغوت‌ها و نیروهای شیطانی قرار می‌گیرند. برای مثال، بت‌پرستی به شکل‌های مختلفی چون قدرت‌پرستی، شهوت‌پرستی، و تبعیت از هوای نفس تجلی می‌یابد که باعث رفتارهایی چون اکل میتة (خوردن مردار)، ظلم به زیردستان، بی‌توجهی به حقوق خویشاوندان و گمراهی اخلاقی می‌شود. در حقیقت، این وضعیت ناشی از غلبه نفس بر عقل است که موجب می‌شود انسان از دایره بندگی خدا خارج شده و در صف جاهلان قرار گیرد.

در عصر حاضر، بر اساس اومانیسیم، لیبرالیسم، سکولاریسم، رفرمیسم مذهبی (که از مؤلفه‌های اصلی مدرنیته به شمار می‌روند)، و سایر ایسم‌های تولیدشده توسط جهل مدرن، بسیاری از انسان‌ها که خود را متمدن و پیشرفته می‌دانند، در اثر وابستگی به این خدایان دروغین، از ولایت خداوند خارج شده و در مسیر ولایت طاغوت‌ها و نظام‌های فاسد قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، انسان‌های معاصر در معرض زیست جاهلیت مدرن قرار دارند. تنها راه برون‌رفت از جاهلیت مدرن، کسب معرفت و شناخت در حوزه‌های اساسی دین، از جمله معرفت‌شناسی مبدأ و معاد و آشنایی با دیگر آموزه‌های دینی است. مهم‌ترین این آموزه‌ها، شناخت ولی الهی و روی آوردن به سوی اوست. پذیرش ولایت خداوند و پیروی از رهنمودهای ولی‌الله در تمامی ابعاد زندگی، شرط اصلی برای رهایی از وضعیت جاهلیت است.

برای پیشگیری از دچار شدن دوباره جوامع اسلامی به جاهلیت، لازم است که راه‌های ورود جاهلیت مدرن به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها شناسایی شود. همچنین، بررسی و تبیین راهکارهای مقابله با آن، در جهت بازسازی و تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی، ضروری است. از این رو، پژوهش‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن شناسایی عوامل و مظاهر جاهلیت مدرن، راه‌حل‌های عملی و کارآمد برای جلوگیری از تأثیرات آن ارائه دهند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، (١٣٧٣)، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- شریف رضی، سید محمد بن حسین، (١٣٧٩)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، پارسایان.
- ألوسی، محمود بن عبدالله، (١٤١٥ق)، روح المعانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، (بی تا)، بحر المحيط، بیروت، دار الفکر.
- ابو معاش، سعید، (١٤٣٠)، الامام المهدی فی القرآن و السنه، مشهد، آستان مقدس رضوی.
- ابونعیم، احمد بن عبدالله، (١٣٩٤ق)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، مصر، السعاده.
-، (١٤١٩ق)، معرفه الصحابه، ریاض، دار الوطن.
- ابن اثیر، علی بن محمد، (١٣٨٥ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ابن ابی حاتم رازی، عبد الرحمن، (١٤١٩ق)، تفسیر القرآن العظیم، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی کنانی، (١٤١٥)، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن درید، محمد بن حسن، (١٩٨٨م)، جمهره اللغة، بیروت، دارالملايين.
- ابن سعد، محمد، (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر.
- ابن سلام تیمی، یحیی، (١٤٢٥)، تفسیر یحیی بن سلام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (١٤٠٤)، تحف العقول، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، (بی تا)، بلاغات النساء، قم، الشریف الرضی.
- ابن فارس، احمد، (١٤٠٤)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، (١٤٢٠)، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (١٤١٤)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ابن هشام الحمیری، عبدالملک، (بی تا)، السیره النبویه، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده.
- ازهری، محمد بن احمد، (١٤٢١)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابوالفرج اصفهانی، (١٣٨٥ق)، مقاتل الطالبین، ایران، دارالکتب.
- احمدی، بابک، (١٣٧٣)، مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، نشر مرکز.

باقری، عبدالرضا، (۱۳۸۶)، اصول بیوتکنولوژی گیاهی، مشهد، دانشگاه فردوسی، چ اول.
 بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثه.
 بخاری، اسمعیل بن ابراهیم، (۵۱۳۸۲هـ)، تاریخ الكبير، زیر نظر محمد عبد المعید، بی جا.
 بغوی، حسین بن مسعود، (بی تا)، تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، بی تا، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 پاینده، ابوالقاسم، (بی تا)، ترجمه نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش.
 جعفریان، رسول، (۱۳۶۶)، تاریخ سیاسی اسلام، قم، مؤسسه در راه حق.
 جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، تحقیق علی اسلامی، قم، اسراء.
 جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین.

حسینی خامنه ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای،

www.farsi.khamenei.ir

حسینی نیا، سید محمد رضا، (۱۳۹۸)، واکاوی رابطه مندی فرازهای آیه سوم سوره مائده، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۲۰۳-۲۱۶.

حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، دمشق، دارالفکر.

خازن، علی بن محمد، (بی تا)، تفسیر الخازن المسمى لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیه.

خلیل حتی، فیلیپ، (۱۳۶۶)، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بی نا.

دینوری، ابن قتیبه، (۱۳۶۴)، الشعر و الشعراء، بی جا، دار احیاء الکتب العربیة، چ دوم.

ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۲۷ق)، سیر اعلام النبلاء، قاهره، دار الحدیث.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق داودی صفوان، بیروت، دار الشامیة.

رستمی، سحر و همکاران، (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی قوانین سقط جنین در کشورهای جهان،

فصلنامه تاریخ پزشکی، سال پنجم، شماره هفدهم.

زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب

العربی.

سبحانی، جعفر، (۱۳۷۶)، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی، (۱۳۷۷)، فاجعه تمدن و رسالت اسلام، ترجمه محمدعلی
حجتی کرمانی، تهران: موسسه انتشارات اسلامی.

..... (۱۴۲۵ق)، فی ظلال فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالشروق.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله
مرعشی نجفی.

شفیعی سروستانی، اسماعیل، (۱۳۸۹)، جاهلیت مدرن در رویارویی با امام زمان (عج)، تهران، نشر
موعود.

شوقی ضعیف، احمد، (۱۳۶۴)، العصر الجاهلی، مترجم: علیرضا ذکاوتی قرا گزلو،
تهران، انتشارات امیر کبیر.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

..... (بی تا)، علل الشرائع، ترجمه مسترحمی، تهران، مصطفوی.

طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

طاهری خرم آبادی، سید حسن، (۱۴۰۷)، صله الرحم و قطیعتها، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۳)، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو.

طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.

طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، قم، نشر هجرت.

فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴)، المصباح المنیر، قم، دارالهجره.

قاسمی، جمال الدین، (بی تا)، محاسن التاویل، بیروت، دارالکتب العلمیه.

قزائنی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.

قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (بی تا)، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.

عماد زاده اصفهانی، حسین، (۱۳۷۷)، تاریخ مفصل اسلام از طلوع اسلام تا عصر

حاضر، تهران، اسلام.

عیاشی، محمد بن مسعود، (بی تا)، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه‌العلمیه الاسلامیه.
کسرابی، محمد سالار، (۱۳۷۹)، چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، تهران، نشر مرکز.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
گلیسپی، مایکل آلن، (۱۳۹۸)، ریشه‌های الهیاتی مدرنیته، ترجمه زانیار ابراهیمی، تهران، گاه روزگاران.

محمودی، سید احمد، (۱۳۹۴)، شناخت ادیان، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، احیاء التراث العربی.
مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۶)، به سوی او به سوی خودسازی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۰)، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب.
موسوی بجنوردی، سید محمد کاظم، (۱۳۸۸)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.

نبویان، سید محمود، (۱۳۸۷)، جستارهایی در باب دین و دنیای مدرن، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی.

نبیل سعدالدین جرار، (۱۴۲۸ق)، الایماء الی زوائد الامالی و الاجزاء، ریاض، دار اضواء السلف.
هجز، کریس، (۱۳۸۸)، پورنوگرافی غیر عادی، منبع: موعود، سال چهاردهم، ش ۱۰۸.
هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، جنگ جهانی دوم، دانشنامه جهان اسلام، شماره ۵۰۹۹، بنیاد دائره المعارف اسلامی.

Frank, Katherine (۲۰۰۵). G-Strings and Sympathy: Strip Club Regulars and Male Desire. Durham and London: Duke University Press.

Gupta, Birendra Kumar (۲۰۱۱) Trafficking and the Law. New

Delhi: Human Rights Law Network.

Lichter, D. T, Turner, R. N, & Sassler, S. (۲۰۱۰), National estimates of the rise in serial cohabitation, *Social Science Research*, ۳۹(۵), ۷۵۴-۷۶۵.

Nasr, seyed Hossein, *Traditional Islam in the modern world*, Kegan Paul international New York ۱۹۹۰/p. ۹۸

McInerny, Ralph M., "introduction", in: *Modernity and religion*, Edited by Ralph. M, McInerny, London : University of Notre Dame Press, ۱۹۹۴

Nordic, N (۲۰۱۸), *Reviews prostitution Research in Context: Methodology, Representation. And Power*, *Journal of Feminist and Gender Research*, ۲۶, ۲: ۱۵۴-۱۵۹.

Verta Taylor and L. eila J. Rupp, "Women'S CULTURE And Lesbian Feminist activism: A reconsideration of cultural feminism", *Journal of Women in Culture and Society* ۱۹(۱۹۹۳): ۳۷.

Uebel, Michael (۲۰۰۴). *Striptopia? Social Semiotics* ۱۴(۲), ۳-۱۹.

سایت رجانیوز، ۳/۱۰/۱۳۹۰، <https://www.rajanews.com/news/۹۴۹۷۲>.